

چهرهٔ گرو و هک
ضد انقلابی

گومله

از «درون»

تکثیر • سازمان ایالتی
حزب تودهٔ ایران در کردستان

هه و النامه ی کتیب

خون خلق کرد، وثیقه کشف تئوریهای «انقلابی» کومله

انقلاب ایران دشمنان رنگارنگی دارد که بر فراز سر همه آنها چتر «ستاره‌ها و نوارها» گسترده است. از بقایای ساواک گرفته تا گروه‌های مائوئیستی همه و همه، با تمام نیرو در میدان حضور دارند تا انقلاب ایران را شکست دهند. از جمله خطرناکترین این دشمنان، آن گروه‌های مائوئیستی هستند که در پناه الفاظ ماوراء انقلابی سنگر گرفته‌اند و در همه حال، و بویژه در کردستان نسخه جنگ «باهیئت حاکمه» را تجویز می‌کنند. گروهک «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران» (کومله) که رهبران آنرا اشراف‌زادگان تشکیل می‌دهند و با حزب بعث عراق رابطه مستقیم تشکیلاتی دارند، در این شمارند.

این گروهک که خود را «سخنگوی خلق کرد» میدانند، در عرصه تئوری و عمل، با دشمن اصلی انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، کاری ندارد و هدف اصلی مبارزه‌اش سرنگونی «هیئت حاکمه» است این گروهک اکنون یکی از اخلال‌گران عمده در مذاکرات کردستان است و آنچه‌آنکه رسماً اعلام کرده، در مذاکرات هم تنها بقصد «افشای هیئت حاکمه» شرکت می‌کند.

ما در زیر مواضع اعلام شده این گروهک را در زمینه‌های گوناگون استخراج کرده‌ایم:

این گروهک که، «سرانجام در بهمن ماه ۱۳۵۷ بانام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران» اعلام موجودیت کرد. (شورش-ارگان سازمان زحمتکشان کردستان، شماره ۱، اول آبان) این مشی را دنبال میکند:

«آگاهی ما از مارکسیسم-لنینیسم و همچنین تجارب انقلاب در کشور های دیگر بسیار ناقص است، و با وجود این ما فکر میکنیم که امکان آنرا داریم با تحلیل‌های خودمان از شرایط مشخص. در راه کشف تئوری انقلاب ایران نقش مثبتی ایفاء کنیم.» (همانجا ص، ۱۲)

یعنی مشی این گروهک «کشف تئوری انقلاب ایران» است. اما

«تئوری انقلاب ایران» چگونه بدست می‌آید:

«اما تئوری انقلاب ایران چگونه بدست خواهد آمد؟... برای حل این سائل ما نمی‌توانیم از عام به خاص برسیم بنظر ما هر گروه بطور عمده راساس حوزه مادی فعالیت خود می‌تواند پاسخ مشخصی باین سؤال دهد.» (همانجا)

به این ترتیب رهبران این گروهك، که بقول خودشان نه‌شناخت کافی زمار کسبیم - لنینیسم دارند و نه با تجربه انقلابات کشورهای دیگر آشنائی دارند، می‌خواهند «تئوری انقلاب ایران را از درون شرکت در پراتیک جنبش» (همانجا) «کشف» کنند و بهای این «کشف تئوری» را هم خلق کرد باید با خون فرزندان خویش بپردازد. و از آنجا که این «کشف» بدون جنگ میسر نیست، باید محمل «تئوریک» جنگ با «هیئت حاکمه» را اختراع کرد. گروهك همین کار را می‌کند.

«نظر ما این است که رژیم حاکم در ایران در حال حاضر بطور کلی در موقعیتی کاملاً بحرانی قرار دارد، غلتش هم این است که توده‌های قیام‌کننده و مردم ایران که در طی یکسال، در طی یک مبارزه بسیار خونین و طولانی توانستند رژیم شاه را شکست دهند و به زنان و در آورند، مطالبات و خواستهایی را داشتند که رژیم حاکم به هیچکدام از آن خواسته‌ها و مطالبات اساسی مردم ایران جواب نداد.» (مصاحبه با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان، دانشجویان مبارز، ص ۱) (همدجا تاکید از ماست).

گروهك که برای توجیه شکست انقلاب آسمان و ریسمان را بهم می‌بافد، درست یک صفحه بعد به تناقض گوئی می‌پردازد:

«انقلاب ایران که با تخریب بعضی از نهادهای دولتی زمان شاه همراه بود، نتوانست مناسبات تولیدی نوین را به جای آنها پی‌ریزی نماید.» (همانجا صفحه ۲) به این ترتیب معلوم نیست که آیا رژیم شاه شکست خورده و یا «انقلاب ایران با تخریب بعضی از نهادهای دولتی زمان شاه همراه بود»، و آیا مردم ایران قیام کرده‌اند یا انقلاب؟

اما «کومه‌له» که «تئوری انقلابی» اش را باید در جنگ بدست بیاورد، به تئوری بافی ادامه می‌دهد:

«این رژیم هر روز بسوی وابستگی هر روز بر علیه خلقها و زحمتکشان و آزادی خواهان ایران دست به توطئه چینی می‌زند. هر روز آشکارتر و وسیعتر بسوی وابستگی به امپریالیسم و ضدیت با خواسته‌های عادلانه کارگران و دیگر زحمتکشان گام برمی‌دارد» (اعلامیه کومه‌له ۱۶ آبان)

و، کارنامه این حکومت که پراز کشتار زحمتکشان و انقلابیون، مبارزین راستین ضد امپریالیستی است، از همان ابتدا تا کنون تاثیر بر افکار مردم داشته است که آنها را در مورد هر گونه ادای عدالتخواهی و صلح طلبی و مبارزات ضد امپریالیستی رژیم بدبین می‌سازد.» (اعلامیه کومه‌له ۳۰ آبان)

تدارك جنگ با «هيئت حاكمه»

می بینید؟ هیچ جا صحبتی از امپریالیسم نیست. بنظر «کومهله» دشمن همان حکومت است و این حکومت هم در واقع عامل امپریالیسم است، پس: «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومهله) معتقد است که امپریالیسم و ارتجاع داخلی لازم و مستلزم همدیگرند و شرط لازم برای نابودی امپریالیسم، در منطقه، نابودی ارتجاع داخلی است.» (اعلامیه گرامی باد ۱۶ آذر).

باین ترتیب هدف «کومهله» روشن است، نابودی ارتجاع، که همان رهبری انقلاب باشد، اما گروهک که در میان خلق به اعتراف خودش پایگاهی ندارد و می نویسد:

«باتمام سروصدایی که به راه انداختیم نه در میان طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش نفوذ خوبی داریم و نه توانستیم جنبش دمکراتیک را هدایت کنیم همینطور جنبش محلی را نتوانستیم هدایت کنیم و در قیام نیز نقش مستقلی نداشتیم.» (مصاحبه با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان، دانشجویان مبارز، ص ۲۷).

به فکر می افتد که رهبری انقلاب را بدست طبقه کارگر بدهد، چگونه؟ کومهله جواب میدهد:

«طبقه کارگر چگونه می تواند رهبری را بدست گیرد؟ بهترین کمک به اعتلاء جنبش کارگری در ایران، شرکت فعالانه در جنبش مقاومت خلق کرد است.» (همانجا ص ۹)

اما هدف از «شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد» تنها اعتلاء جنبش کارگری نیست، غرض توده ای کردن جنبش است:

«ما این مسائل را خیلی توضیح می دادیم. از جنبش های ویتنام، الجزایر، کردستان عراق، از همه اینها مثال می آوردیم و ثابت می کردیم که امکان اینکه این جنبش توده ای شود بخصوص در شهرها خیلی زیاد است.» (همانجا ص ۷).

اما در این جنبش توده ای، که باید به تصرف قدرت سیاسی منجر شود، چگونه باید شرکت کرد.

«آیا مبارزه «مسلحانه» در مناطقی مثل کردستان نمی تواند با قیام کارگران و توده های شهری تکمیل شود و به تصرف قدرت سیاسی منجر گردد؟» (شورش شماره ۱، اول آبان)

امپریالیسم نقشی در کردستان ندارد

به این ترتیب گروهک در واقع «تئوری انقلاب ایران» را، برخلاف ادعای قبلی، «کشف» میکند و آن «آزاد کردن کردستان» است و این کار تنها با «مبارزه مسلحانه» ممکن است. می بینید که جنگ کردستان از نظر این گروهک ناخواسته نبوده است و سرانجام هم همدستی گروهک با امپریالیسم

آتش جنگ را در کردستان شعله‌ور می‌کند و گروهک در حالیکه تقصیر آنرا به گردن «حمله‌کنندگان» می‌اندازد، به استقبال آن می‌رود:

«از آنجائی که این حمله بالاخره شروع شده، برداشت و ارزیابی سازمان زحمتکشان اینست که باید با تمام نیرو در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت کرد.» (مصاحبه. صفحه ۵)

و بنظر گروهک، عمال امپریالیسم هم هیچ نقشی در کردستان ندارند: «دروغهای رژیم در مورد اینکه گویا جنبش کردستان به اشرف پهلوی، پالیزبان و اسرائیل مربوط می‌باشد، بتدریج دارد برملا میشود.» («شورش»)

و بعد گروهک فعالانه وارد جنگ میشود و آنوقت برای توجیه میگوید: «حقیقت این است که هم اکنون در سرتاسر کردستان یک جنگ خونین جریان دارد. رژیم ایران که آزادیهای بدست آمده توسط خلقهای ایران را خفه کرده و در همه جا خواستهای اساسی توده‌های مردم را بازور و خشونت پاسخ گفته، رژیمی که مطبوعات آزاد را توقیف و احزاب و سازمانهای دمکراتیک را تخته نموده و برای مجلس موسسان واقعی، مجلس آخوندی خبرگان را علم کرده، نمی‌توانست تاب تحمل آزادی کردستان، این پایگاه انقلابی ایران را داشته باشد.» (کردستان را گورستان اشغال‌گران خواهیم کرد، ۱۸ آبان)

و بعد هم آتش‌افروزی امپریالیسم را در کردستان چنین تحلیل می‌کند: «مبارزه کنونی خلق کرد پر دامنه‌ترین، عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین مبارزه ایست که تا به حال خلق کرد داشته است.»

بنابراین جنبش کنونی خلق کرد از اهمیت تاریخی ویژه‌ای برای کردستان و سراسر ایران برخوردار است. بهمین دلیل ما بعنوان یک نیروی انقلابی موظفیم، و بسهم خود می‌کوشیم دستاوردهای این جنبش را حفظ کنیم، تحکیم بخشیم و توسعه دهیم.»

(اطلاعیه شماره ۸ کومه‌له - ۸ آذر ۵۸)

مخالفت با مذاکره

اما برخلاف تصورات واهی این آقایان و دیگر گروهکهای مائوئیستی مبنی بر ادامه جنگ و برادر کشی در کردستان، انقلابیون راستین و پیشاپیش همه، حزب توده ایران، اعلام کردند که ادامه این جنگ نه به سود انقلاب، بلکه مستقیماً به سود امپریالیسم و ضدانقلاب است.

حزب ما در اعلامیه‌ای که در مرداد ماه ۵۸ منتشر شد، اعلام کرد: «مسئله کردستان را نه از طریق جنگ بلکه از طریق تفاهم، تفاهمی که باید به حل مسئله ملی در کردستان بیانجامد، می‌توان حل نمود.»

سخنان تاریخی امام خمینی و پیگیری نمایندگان واقعی خلق کرد برای حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان این واقعیت را به‌همه نشان داد و چشم‌انداز روشنی برای حل بحرای کردستان گشود.

وقتی که شعار رسیدن خلق کرد به حقوق ملی خود از طریق مذاکره از جانب خلق کرد پذیرفته شد، گروهک به خلق «تئوری»های تازه برای

ادامه جنگ دست زد:

«اکنون موقعیت حساسی در ادامه جنبش مقاومت خلق پیش آمده است، زیرا این جنبش از طرفی روز به روز اوج گیری بیشتری داشته و از طرف دیگر برای هیئت حاکمه شکست نظامی و شکست سرکوب خلق کرد را بدنبال داشته است و درست در این موقعیت است که هیئت حاکمه مجبور بقبول شکست شده و به سیاست «نرمش» روی آورده است. اکنون این سؤال به ذهن هر کسی خطور می کند که سیاست ما چگونه باید باشد؟»

(از فرمان هجوم تا پیام صلح، ۳ آذر ۵۸)

برای تعیین این سیاست باید باز هم، بی آنکه اسمی از امپریالیسم آمریکا آورده شود، هیئت حاکمه را بعنوان دشمن به میدان کشید:

«هیئت حاکمه اکنون بخوبی دیگر دریافته است که در کردستان نمی تواند پیروزی نظامی بدست آورد. رژیم در درون خود دچار آشفتگی شدیدی است.

ارتش دارد از هم می پاشد و زندگی توده های زحمتکش به سختی میگردد. قانون اساسی تأیید شده مجلس خبرگان احتیاج به فراندیم دیگری دارد... و این شرایط برقرار نمی گردد، مگر اینکه سیاست جدید، یعنی سیاست نرمش بکار گرفته شود. و از آن جمله است فرستادن هیئت حسن نیت برای مذاکره، (همانجا) باین ترتیب زمینه «تئوریک» برای مبارزه با «رژیم» آماده است:

«بنظر ما ضعف و ناتوانی رژیم، علت اصلی این تن در دادن به مذاکره است. بطور کلی هر رژیم ضد خلقی، هنگامی که تشخیص میدهد نمی تواند جنبش انقلابی را سرکوب کند به مذاکره روی می آورد سرداران رژیم آخوندی ایران نیروهای انقلابی خلق کرد را به هیچ می گرفتند و با غرور و تکبر از پیروزی چند روزه و حتی چندساعته صحبت می کردند.»

(شورش، شماره ۱، صفحات ۸۷)

اما از آنجا که توده ها به راه خود می روند، مذاکره در دستور روز قرار می گیرد و گروهك این بار میخواهد هر طور شده در مذاکره شرکت کند. اما این شرکت در مذاکره صلح برای ادامه جنگ است:

«قبول مذاکره از نظر ما به هیچ وجه به معنای قبول آتش بس نیست.»

(شورش، «ما و مذاکرات»، شماره ۱)

و:

«اشتباه است اگر فکر کنیم عقب نشینی در زمینه نظامی «حسن نیت» مرتجعین را طلب خواهد کرد. این به اصطلاح حسن نیت را نیرومندی مابه آنها تحمیل خواهد کرد.» (همانجا)

و:

«آنهائی که فکر میکنند که در برابر هیئت مذاکره دولت گویا ما نیز باید آتش بس کنیم سخت در اشتباهند... آری حسن نیت ما ادامه مبارزه است»

(۱۲ آذر ۵۸)

شرکت در مذاکره برای ادامه جنگ

وسرانجام هم «کومهله»، با این هدف، یعنی به بن بست کشاندن مذاکرات و ادامه جنگ در مذاکره شرکت می کند.

«ما موظفیم با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات اتهام دروغین جنگ طلبی را که به ما وارد می کنند، رد کنیم و بایان خواست- هایمان از «تریون مذاکرات»، حقانیت و عادلانه بودن آنها را به خلقهای ایران نشان دهیم.» (شورش)

گروهک با اخلال در مذاکرات، همان هدف ادامه جنگ و تسخیر قدرت سیاسی را دنبال میکند، زیرا به نظر گروهک:

«رژیم جدید ایران، این رژیم خیانت به قیام که بخاطر خصلت ارتجاعی اش قادر به حل مسائل ایران نیست، در سرتاسر ایران با مشکلات فراوانی روبرو شده است... و بالاخره رژیم ایران بایک بحران اقتصادی شدید دست به گریبان است... همه این مشکلات رژیم را ناچار کرده که از مواضع ضعف حاضر به مذاکره شود. اما آیا این تمایل صادقانه است؟» (هواداران کومهله - تبریز، ۴ آذر ۵۸)

گروهک آنگاه به این نتیجه میرسد که «رژیم» به لبه پرتگاه رسیده: «مبارزات ضد امپریالیستی توده ها گسترش نوینی می یافت و رژیم تا حدود زیادی پشتیبانی توده ها را از دست داده بود... شکست نظامی رژیم در کردستان و ناتوانی وی از حل مساله ملی و آزادی خلقها از طرف دیگر، رژیم را در بن بست قرار داد. آری دولت در لبه پرتگاه ب فکر چاره اندیشی افتاد. ابتدا ماسک ضد امپریالیستی به چهره می زند و جنگ زرگری راه می اندازد... حالا از در دوستی و آشتی در آمده؟!؟! و برای کردستان پیام صلح داده.» (همانجا)

«جلوگیری از اوج گیری جنبش مقاومت و سقوط رژیم» (از فرمان هجوم تا پیام صلح، ۳ آذر) است و باین ترتیب «پایه هایش سست شده»، برای بدست گرفتن «قدرت سیاسی» باید مبارزه را از کردستان آغاز کرد. «پس از ناتمام ماندن قیام اخیر، کردستان پرچمدار مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران گردید» (اتحادیه زنان کردستان - هوادار کومهله ۲۲ آذر ۵۸).

و برای رسیدن به این هدف، باید مذاکرات صلح را به جنگ تبدیل کرد:

«مثلی است مشهور در میان مردم، «کرد در سنگر مبارزه مسلحانه پیروز است، اما در سنگر مذاکره همیشه طرف بازنده بوده است.» صرف نظر از اینکه این گفته مصداق عینی در گذشته داشته است، ما اعتقاد داریم که خلق ما اکنون هوشیارتر از آن است که اجازه دهد بار دیگر دستاوردهایش هدر رود. خلق مانیک میدانند صلابت و سرسختی خود را در پشت میز مذاکره کند و خوب به این واقعیت پی برده است که مبارزه سیاسی و سنگر مذاکره ادامه طبیعی مبارزه مسلحانه است و انتخاب یکی از شیوه های نشانه منفی شیوه

دیگر مبارزه نیست بلکه ایندو مکمل یکدیگر و هر دو در جهت احقاق حقوق خلق کرد است.» (اعلامیه کومه‌له ۲۸ آبان)

و چون پیروزی خلق کرد تنها در مبارزه مسلحانه، بدست می‌آید و دولت «فاشیستی و مرتجع» است، باید:

«مانیز با اعتقاد به اینکه نهایتا مبارزه مسلحانه علیه دشمنان فاشیست ضامن پیروزی زحمتکشان در به کف آوردن قدرت سیاسی است و با توجه به اینکه مطابق معمول، مردم مورد هجوم و تجاوز دولت فاشیستی و مرتجع ایران، قرار گرفته‌اند، در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت کرده و آنرا ادامه می‌دهیم.» (مصاحبه شورای همبستگی خلقهای ایران با کومه‌له)

مبارزه با «رژیم» اجتناب ناپذیر است!

اما کار به همین جا تمام نمیشود باید این مبارزه را به خوزستان پیوند زد: «رژیم فعلا به هیچ وجه توانائی حل مساله ملی و کارگران و دهقانان را ندارد اینست که موج نوین مبارزه اجتناب ناپذیر است. مبارزه خلق کرد و مبارزه کارگران، مخصوصا نفتگران جنوب طلایه موج نوین است.» (همانجا) و بعد از خوزستان باید سراغ آذربایجان رفت.

«ما جنبش مقاومت عادلانه خلق کرد و جنبش خلق آذربایجان را ادامه طبیعی انقلاب ایران می‌دانیم.» (از جنبش خلق آذربایجان بگرمی پشتیبانی کنیم.)

و:

«برپائی این جنبش انقلابی را بگرمی به شما شادباش می‌گوئیم و با تمام نیرو از آن پشتیبانی می‌کنیم.» (همانجا) و همه اینها برای این است که «رژیم» واژگون شود و طبقه کارگر به «قدرت سیاسی» دست یابد:

«هنگامیکه طبقه کارگر در ایران توانست به قدرت سیاسی دست یابد و دولت وابسته به امپریالیسم و ارتجاعی فاشیستی کنونی را سرنگون ساخته و دولت دمکراتیکی به رهبری خود ایجاد نماید، آنگاه میتواند قدم در راه ساختمان سوسیالیسم، محو استثمار و ایجاد جامعه بدون طبقه بگذارد.» (مصاحبه شوراهاى همبستگی خلقهای ایران با کومه‌له).

خواننده با آشنائی با مواضع «کومه‌له» به روشنی درمی‌یابد که ادعای این گروهك برای دست یافتن به «تئوری انقلاب ایران»، که وثیقه آن خون خلق کرد است، تنها سرپوشی برای مخفی کردن هدف واقعی این گروهك است. هدف این گروهك، درست در اوج مبارزه ضد امپریالیستی توده‌های خلق، سرنگون کردن رهبری این مبارزه است. در تمام ادعاهای ماورای انقلابی گروهك «کومه‌له»، که بنام خلق کرد بیان میشود، مبارزه با امپریالیسم مسکوت گذارده شده و در میان خروارها دشنام و تئوری کومه‌له علیه رهبری انقلاب، گاهی هم که صحبت از مبارزه با امپریالیسم سخن رانده شده، نابود کردن «ارتجاع داخلی و دولت فاشیستی» پیش شرط آن اعلام شده است و این باز همان جنگیدن با رهبری انقلاب بجای مبارزه با امپریالیسم

آمریکاست. و این همان خواست امپریالیسم خونخوار امریکاست که در پوشش کلمات انقلابی از زبان «کومه‌له» بیان و تبلیغ میشود. خواننده بعد از آشنائی با این مواضع شگفت‌زده نخواهد شد که چرا «کومه‌له»، این مدعی رساندن «قدرت سیاسی به طبقه کارگر»، هنگام اشغال لانه جاسوسی آمریکا، یعنی بزرگترین دشمن همه کارگران جهان، سکوت میکند و در عوض هنگام توطئه آمریکادر تبریز، آن را «جنبش انقلابی» میخواند، بخاطر پشتیبانی از آن اعلام راه‌پیمائی میکند و افراد خود را به تبریز میفرستد.

و در متن این آشنائی است که خواننده در خواهد یافت، چرا «کومه‌له» با حرارت خاصی در مذاکرات کردستان اخلاص میکند و خواهان افروختن دوباره آتش جنگ است، جنگی که تنها و تنها امپریالیسم آمریکا از آن سود خواهد برد.

واقعیات انکارپذیر فوق میباید برای آن عده از هواداران صادق «کومه‌له» که هنوز با ماهیت واقعی این گروهک آشنایی ندارند، به اندازه کافی افشاگر و روشنگر باشد تا خود را از عناصری که آگاهانه در راه ضدانقلاب گام بر میدارند، جدا کنند و به نیروهای انقلابی راستین خلق کرد که خواهان تامین حقوق ملی خلق کرد از راه مسالمت‌آمیز هستند، خواهان همگامی با سایر خلقهای ایران برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران هستند، پیوندند.

واقعیات انکارناپذیر فوق میباید برای آن احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی هم که تاکنون در کنار «کومه‌له» قرار داشته‌اند، به اندازه کافی افشاگر و روشنگر باشد، تا حساب خود را از این گروهک ضدانقلابی جدا کنند، در برابر موضع ضدانقلابی «کومه‌له» موضع انقلابی بگیرند و با افشا و طرد این گروهک ضدانقلابی یکی از کانون‌های اصلی اخلاص در مذاکرات صلح کردستان را از بین ببرند. این موضع‌گیری انقلابی بسود خلق کرد، بسود انقلاب ایران است. در اتخاذ آن تردید نباید کرد.

چهره‌گر وهك ضد انقلابی كومه از «درون»

توطئه‌های آتش افروزانه كومه عليه خلق کرد و حزب توده ایران

توطئه‌های آتش افروزانه كومه عليه خلق کرد و حزب توده ایران
● طبق اطلاعات دقیق در تاریخ سه‌شنبه ۲۳ بهمن‌ماه چندتن از
رهبران كومه، در جلسه‌ای با حضور سرهنگ علیار (یکی از عوامل حزب
بعث عراق در کردستان) و صلاح‌الدین مهتدی، در خانه ابوبکر غفوری در
بوکان، درباره چگونگی حمله به کامیاران و تلافی‌رسانی‌های قبلی صحبت
کرده و نقشه کشیده‌اند.

● در جلسه سرهنگ علیار بارهبران كومه در بوکان، روی مبارزه
با حزب توده ایران تاکید بسیار شده است.

● در اواخر بهمن‌ماه، دونفر از افراد سپاه رزگاری، که بوسیله
كومه زندانی شده بودند، بعثت افشای صحنه‌سازی كومه و سپاه رزگاری
در میان مردم، توسط كومه از زندان فراری داده شدند.

● در کانون معلمان بوکان، که چند نفر هوادار كومه و نیز چند نفر
هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق در آن عضو هستند، از طرف كومه
مطرح شده است که به‌دانش‌آموزان توصیه شود تا شعارها و اعلامیه‌های حزب
توده ایران را پاره‌کنند نگذارند که حزب توده ایران فعالیت داشته باشد.

● كومه از ثروتمندان بوکان با ارباب و تهدید باج‌طلب میکند و
عوامل كومه، از مردم دهات مرتبا باج میگیرند.

گروهك ضدانقلابي «كومله»، كه عامل اجرائى مقاصد شوم امپرياليسم آمريكا ورژيم بعثى عراق در كردستان است و باتمام قواى خودميكوشد تا از استقرار صلحى عادلانه، همراه با تامين حقوق حقه خلق كرد در كردستان ممانعت كند و آتش جنگ برادر كشى را ديگر بار برافروزد، هر چند ظاهرا از «صلح» و «مذاكره» براى تامين حقوق خلق كرد دم ميزند و خود را دشمن امپرياليسم آمريكا مينامد، ولى در باطن و در نشريات درونى خود، چهره هاى عريان و اهدافى آشكارا ضد خلقى و ضد انقلابى راعرضه ميكند.

«كومله» در نشريات درونى خود، سرشار از تناقضات و جمله پردازى ماوراء انقلابى است، همان سياستى را تعقيب ميكند كه امپرياليسم آمريكا در پى آنست و همان نيروهاى را دشمن ميداند كه روشى منطبق بر مصالح انقلاب ايران و عليه امپرياليسم آمريكا در پيش گرفته اند.

در نشریه درونی «كومله»، كه اندكى پيش از انتخابات رياست جمهورى بين اعضاى اين گروهك ضدانقلابى پخش شده است، «كومله» ماهيت واقعى و دليل وجودى خود را عيان ميسازد. نويسندگان اين نشریه كه مى كوشند اهداف وجودى خود را عيان ميسازد. نويسندگان اين نشریه كه مى كوشند اهداف ضدانقلابى خود را به جامه «تئورى» ملبس كنند و بوسيله آن عناصر هنوز ناآگاهى را كه فریب تبلیغات ماوراء انقلابى آنرا خورده اند، راضى نگاه دارند - بواسطه تناقضات دهشتناكى كه مابين اعلامیه هاى رسمى «كومله» و نظريات واقعى آن وجود دارد - آنچنان از پخش اين سند وحشت دارند كه بارها و بارها لزوم پنهان ساختن آنرا متذکر شده اند.

در مقدمه این نشریه درونی «تئوريك» تأكيد شده است كه:

«این نوشته فقط برای مطالعه و بحث درونی نوشته شده» (صفحه ۱) و «نباید تکثیر و پخش شود و یا بدست عناصر غیر مسئول بیفتد.»! (صفحه ۱) زیرا «ما نمیتوانیم تمامی نظريات و پیش بینی هاى این نوشته را برای عموم مردم بازگو کنیم»! (صفحه ۱۷) و «علاوه بر آن، با اينكار دشمنان ما تا حدى تأثير اين سياست ما را با سوءاستفاده از گفته هاى خود ما خنثى خواهند کرد»! (صفحه ۱۷)

این کدام «سياست» است كه «كومله» از افشای استدلالات خود برای موجه جلوه دادن آن، وحشت دارد؟ این کدام پیش بینی ها و «نظرات» است كه «كومله» جرات بازگو كردن آنرا برای عموم مردم ندارد؟ و بالاخره چرا كومله «نشریه تئوريك» خود را از مردم پنهان ميكند؟

كسى كه اين نشریه «تئوريك» را مطالعه كند به دليل وحشت «كومله» پى خواهد برد. اين نشریه «تئوريك» در واقع تلاشى رسوا از سوى يك عامل امپرياليسم آمريكاست برای آنكه سياستهای امپرياليسم آمريكا در ايران

رازپوشش «مارکسیسم» تبلیغ کند و آنرا از نظر «تئوریک» به جامه «استدلال» بپوشاند، و بهمین دلیل هم این نوشته سراپا دچار تناقضات و درهم‌اندیشی است و درست بهمین دلیل هم «کومله» از انتشار آن چنین می‌هراسد.

تمامی نوشته این هدف را تعقیب می‌کند که به خواننده بقبولاند: «رژیم را باید سرنگون کرد.» (ص ۲) باقی «استدلالات» برای آنست که این هدف را، که همانا هدف امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی از جمله رژیم بعثی عراق است، توجیه کند و در راستای چنین بحثی است که نویسندگان نشریه «تئوریک»، هر که را باین هدف مقابله کند، «ضد انقلابی» می‌نامند و آنرا دشمن خویش می‌شمارند.

در صفحه نخست، نویسنده سخن را چنین آغاز میکند:

«میدانیم رژیم کنونی و در راس آن خمینی، که بعد از قیام بر سر کار آمد، رژیمی است ارتجاعی و ضد خلقی» و «طبیعی است که این رژیم را باید سرنگون کرد.» (ص ۲)

اما، «کومله» از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی چه نفعی میبرد؟ پاسخ را نویسندگان نشریه در صفحه ۷ داده‌اند:

«ادامه جنبش (منظور جنگ برادر کشی است) در شرایط کنونی حتما منجر به سرنگونی رژیم خمینی میشد... از یکطرف سبب رشد فوق‌العاده گروه‌های مارکسیستی (کومله در کردستان و...) در میان زحمتکشان میشد و از طرفی رژیمی طرفدار آمریکا بر سر کار می‌آمد.»

هدف اصلی «کومله» در اینجا با وضوح تمام بیان شده است و در واقع اگر تلاش‌های توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا و عمالش (از جمله کومله) نتیجه شوم خود را بیار می‌آورد و جنگ برادر کشی در کردستان ادامه می‌یافت و رژیم انقلابی ایران سرنگون میشد، هم امپریالیسم آمریکا قدرت را بدست می‌گرفت و هم عمالش (چون کومله) همانند چماق‌داران شعبان بی‌مخ، امکان تاخت و تاز پیدا میکردند. ولی در چنین صورتی نه خلق کرده حقوق حقه خویش دست می‌یافت و نه دیگر زحمتکشان ایران به تحقق خواست‌های خود نزدیک می‌شدند. در آن صورت ایران قتلگاهی می‌شد چون شیلی اندونزی و دهها مورد دیگر بهمین دلیل است که «کومله» نیات پلید خود را پنهان و از اعلام صریح آنها وحشت دارد، زیرا مردم انقلابی ایران، منجمله خلق کرد، تنها از طریق درهم کوبیدن قاطع عمال امپریالیسم آمریکا (چون کومله) و توطئه‌چینان علیه انقلاب خود می‌توانند دستاوردهای انقلاب را حفظ کنند و گسترش دهند، خواستهای خود را تحقق بخشند و انقلاب خویش را به فرجام رسانند.

جالبست بدانیم که «کومله» در مورد اقدامات رژیمی که پس از سرنگونی دولت انقلابی ایران بر سر کار خواهد آمد و «طرفدار آمریکا» خواهد بود میگوید:

«چنین رژیمی مسلما بساط فعالیت علنی حزبیون توده‌ای را بر می‌—

چیند و از عهده سرکوب انقلابیون واقعی (منظور «کومله» است!)
برنهی آید.» (ص ۷)

تصادفا در اینجا «کومله» حقیقتی را بیان کرده است. در واقع هم در چنین صورتی، چنین رژیمی نه تنها وجود فعالیت آزاد بزرگترین سازمان سیاسی خصم خود، یعنی حزب توده ایران را تحمل نخواهد کرد، بلکه همچون رژیم منفور پهلوی با تمام قوا نخستین آماج حمله خود را حزب توده ایران قرار خواهد داد و پس از آن - طبق تجربه تاریخ معاصر ایران - سراغ سایر نیروهای ملی و انقلابی خواهد رفت، در این میان تنها ضد - انقلابیون واقعی چون «کومله»، که با تمام قوا در جهت تحقق اهداف شوم امپریالیسم آمریکا کوشیده‌اند، خواهند توانست ریزه خوارخوان یغما و جنایت امپریالیسم باشند و رویاهای «ماوراء انقلابی» خود را همچون رهبران پکن، در اتحاد با امپریالیسم و علیه منافع خلقهای ایران، تحقق بخشند.

کومله و جنگ

چنانکه دیدیم «کومله» طرفدار جنگ برادر کشی است و امیدوار است که با ادامه جنگ، رژیمی طرفدار آمریکا بجای رژیم انقلابی کنونی بر سر کار آید، دشمنان آمریکا را که یکی از مهمترین آنها حزب طبقه کار ایران، حزب توده ایران، است در هم بکوبد و امکان «رشد فوق العاده» (ص ۷) «کومله» را تامین کند.

«کومله» نیروهای مدافع و مخالف جنگ را بخوبی می‌شناسد. او در مورد نیروهای مدافع جنگ مینویسد:

«آمریکا سعی دارد از طریق مهره‌های دست پرورده‌اش در ارتش و دولت و فشار اقتصادی بر رژیم خمینی و تحریک مالکین و سران عشایر مرتجع، سرانجام هنگامیکه زمینه مناسب شد، با یک کودتا حکومتی باب طبع خود در ایران روی کار آورد، چنانچه زمینه سقوط رژیم خمینی هر چه سریعتر فراهم شود، بیشتر بنفع آمریکا است. (صفحه ۵ و ۶)

«ادامه جنبش (منظور جنگ است) در شرایط کنونی که حتما منجر به سرنگونی رژیم خمینی میشد... از طرفی رژیم طرفدار آمریکا بر سر کار می‌آید.» (ص ۷)

«از میان جناحهای هیئت حاکمه اکنون جناح سرسپرده و طرفدار آمریکا در درون ارتش از همه بیشتر طالب جنگ است. این سران سرسپرده آمریکا، مخالف خمینی هستند و بنابراین وجود سپاه پاسداران را نیز مانعی در سر راه خود می‌بینند.»

«کومله» همچنین اعتراف میکند که: «توده‌ها امیدوار به حل مسائل خود از طریق صلح» هستند (ص ۸) «جناح خمینی»، «صلح طلب» (ص ۱۰) است، «حزب توده» و «حزب دمکرات»، خواهان «صلح» و «مذاکره» هستند (ص ۷). «کومله» همچنین اعتراف میکند که مابین تمایلات واقعی او و

ماهوستا (شیخ‌عزالدین) «اختلاف» وجود دارد. (ص ۱۱).
«کومله» در میان این دو جبهه موافق و مخالف جنگ برادرکشی (و
یا در حقیقت موافق و مخالف انقلاب ورهبری آن) جانبدار راه و روش دوم
و طرفدار جنگ است. کومله در «نشریه مخفی تئوریک» خود مینویسد:
«چه دولت و چه ح. د. (حزب دمکرات کردستان ایران)، اگر هر
کدام مصالحه را قبول نمی‌کردند، بنفع اوجگیری جنبش انقلابی توده‌ها...
بود!» (ص ۷)

ولی کومله جزو «هیئت نمایندگی خلق کرد» برای مذاکره با دولت
جهت تامین صلح در کردستان است و این امری است که با اظهار نظر جنگ-
طلانه فوق تضاد آشکار دارد. نویسندگان «نشریه تئوریک» نیز اینرا میدانند
و بهمین دلیل می‌نویسند:

«حال طبیعتاً این سؤال برای پیشروان جنبش مطرح میگردد که
اگر اوجگیری جنبش (یعنی جنگ) بنفع انقلاب است، پس چرا کومله نیز
به آتش‌بس و مذاکره و بعضی سازشها تن درداد.» (ص ۷)
و پاسخ میدهد:

«اگر ما تنها نیروی سیاسی کردستان بودیم... ما می‌توانستیم... تن به
هیچ مصالحه و «سازش» ندهیم.» (یعنی جنگ را ادامه بدهیم) «اما
شرایط سیاسی آنگونه نیست که ما آرزو میکنیم، بلکه دشمنان بسیاری دوروبر
ما را گرفته‌اند.» (ص ۸)

این دشمنان چه کسانی هستند؟ «کومله» بلافاصله ادامه میدهد:
«حزب توده و حزب دمکرات منتظرند که از کوچکترین اشتباه ما
استفاده کرده و ما را منفرد نمایند و به‌هر وسیله که شده ما را به نابودی سوق
دهند. یکی از طرقی که این احزاب ضد انقلابی از آن استفاده میکنند،
اینستکه وانمود کنند اولاً دولت از طریق مذاکره خواستهای خلق کرد و
توده‌های مردم ایران را برآورده خواهد ساخت، ثانیاً چون خودشان هم
میدانند عوامفریبی میکنند و یا باید سازشی کرد یا دولت دست به هجوم
دوباره خواهد زد، میخواهند کومله را در نظر توده‌ها جنگ طلب وانمود
کنند!» (ص ۸)

چنانکه واضح است، «کومله» هم از روی اجبار و هم به قصد خرابکاری
در امر صلح، در «هیئت نمایندگی خلق کرد» وارد شده است. تلاشهای
مداوم و ضدانقلابی این گروهک در تحریک مردم، چون صحنه‌سازی «خلع
سلاح سپاه رزگاری»، نه در جهت تامین صلح همراه با احقاق حقوق حقه
خلق کرد، بلکه در جهت برافروختن آتش جنگ برادرکشی است. «کومله»
صریحاً اعتراف میکند که آتش‌بس را نمی‌پسندد، و نیز اعتراف میکند که در
انتظار فرصتی برای برافروختن آتش جنگ برادرکشی است:

«ما چنانچه آتش‌بس را قبول نمی‌کردیم، دشمنان ما (حزب دمکرات
و حزب توده ایران) از طریق تبلیغ عوامفریبانه، توده‌های امیدوار به حل
مسائل خود از طریق صلح را بطرف خود جلب نموده و به آسانی با جلب اکثریت

توده‌ها بطرف خود (چه در سطح ایران و چه در سطح کردستان) ما را سرکوب می‌نمودند. لازم بود توده‌های امیدوار به صلح، هم‌دولت و هم‌ح. د. را در زمان صلح تجربه کنند تا بفهمند دولت چقدر «حسن‌نیت» دارد و ح. د. تا چه اندازه به مصالح خلق کرد «اهمیت» (گیومه از کومله است) می‌دهد. (ص ۹۰۸)

«کومله»، که بقصد اخلاص در امر مذاکره و صلح در «هیئت‌نماینده‌گی خلق کرد» شرکت کرده است، سالوسانه میکوشد تانیات واقعی، ضدانقلابی و جنگ‌طلبانه خود را از مردم و دیگر نیروهای مترقی و انقلابی پنهان سازد، ولی کمتر کسی است که اکنون و از پس حادثه‌آفرینی‌های مداوم «کومله» انگیزه و نیات واقعی آنرا درنیافته باشد. «کومله» خود این امر را درک کرده است و به همین دلیل، از انتشار «استدلالات تئوریک» خود وحشت دارد و می‌نویسد:

«ما» همیشه اعلام کرده‌ایم که ما آغازکننده جنگی جدید نخواهیم بود (اینرا باید بیشتر تبلیغ کرد. شاید کمی در این باره که تاکنون آنرا رعایت کرده‌ایم، کوتاهی بخرج داده باشیم)!! (ص ۹)

آنچه تعجب برمی‌انگیزد، سالوسی این گروهک خرابکار، ضدانقلابی و عامل دولت بعثی عراق نیست، زیرا در واقع تمایلات واقعی «کومله» رسوایی برانگیزتر از آنست که بتواند آنها را پنهان سازد. آنچه شگفتی برمی‌انگیزد، آنستکه چرا هنوز و پس از حقایق زیادی که در مورد این گروهک آشکار شده است، «کومله» جنگ‌افروز امکان مییابد که در «مذاکرات صلح» شرکت جوید، چرا به دشمن خلق کرد و اجراکننده طرح‌های توطئه‌گرانه دولت بعثی عراق و امپریالیسم آمریکا اجازه داده میشود که آشکارا علیه منافع واقعی خلق کرد توطئه بچینند و در جهت اخلاص در آن گام بردارد.

کومله، شیخ عزالدین حسینی و سازمان چریک‌های فدایی خلق

موضع سالوسانه «کومله» در «نشریه» مخفی «تئوریک» آن زمانی آشکارتر میشود که «کومله» حتی گاه شیخ عزالدین حسینی و سازمان چریک‌های فدایی خلق را نیز در زمره دشمنان خود وارد میکند. علت این امر واضح است. حتی سازمان چریک‌های فدایی خلق (شاخه کردستان) نیز علیرغم موضعگیری‌های بشدت اشتباه‌آمیز خود در مورد کردستان و حمایت کم و بیش خود از برخی مواضع «کومله» بسا اوقات با سیاست‌های کومله ناهمسازی دارد.

«کومله» که خود را «تها نیروی انقلابی ایران!» میداند، می‌نویسد: «اکنون نقطه محوری و اساسی برای برقراری تسلط رژیم کنونی بر جامعه ایران، سرکوب خلق و بویژه نابود کردن کومله است!!» (ص ۳) و سیاست خود را چنین توضیح می‌دهد:

«چنانچه ما در مقابل دولت و ح. د. دست به ماجراجویی نزنیم... خواهیم توانست ماموستا و س. چ. فرا به این سیاست جلب نماییم. منتهی

ما باید سیاستهای خود را همه جانبه بررسی کنیم و اجازه ندهیم که دريك آن نیروی تمام دشمنان متوجه حمله بما گردد.» (ص ۱۱)
«کومله» حتی علیرغم تمایل خود در انتخابات ریاست جمهوری شرکت میکند، زیرا:

«چنانچه در انتخابات شرکت نمیکردیم، اولاً اعلان جنگی بود به رژیم... گذشته از اینها نه تنها توده های مردم از اختلاف بین ما از یکطرف و ماموستا و ح. د. و س. چ. ف. از طرف دیگر سردر نمی آوردند، ما بدون جهت تضادی بيمورد بین خود و ماموستا و... بوجود می آوردیم که فقط دشمنان بضرر ما از آن سوءاستفاده میکردند و در نتیجه ما منفرد شده، دشمن راحت تر و زودتر بما حمله کرده و ما از تحکیم خود... باز می هانندیم.» (ص ۱۱)

درهم اندیشی کومله

«نشریه مخفی تئوریک» کومله سرشار از تناقضات و درهم اندیشی ها و خیال پردازیهای محیرالعقول است. این نتیجه ای ناگزیر است و تنها از عهده «تئوری» برمی آید که میکوشد اهداف امپریالیسم آمریکا را در پوشش «انقلابی» و «خیر خواهانه» عرضه کند و در این راه اجباراً بر بسیاری حقایق چشم می بندد و بر رویاهای خود راه می گشاید. برجسته ترین آشفته فکری کومله در مورد ماهیت رهبری انقلاب تجلی میکند. «کومله» در یکجا اعلام میکند که:

«بعد از سرنگونی شاه ما خود... میدانستیم که رژیم خمینی - بازرگان نیز ارتجاعی و ضد خلقی است.» (ص ۴) (نیز، یعنی همچون رژیم شاه!).

«میدانیم رژیم کنونی و در راس آن خمینی، که بعد از قیام بر سر کار آمد رژیمی است ارتجاعی و ضد خلقی» و «طبیعی است که این رژیم را باید سرنگون کرد.» (ص ۲)

اما نویسندگان این نشریه «تئوریک» در جایی دیگر چنین می نویسند: «هیچگاه نگفته ایم رژیم کنونی سرسپرده آمریکاست، زیرا از طرفی قیام مردم ایران به دستگاه های سرکوب رژیم شاه ضربه زد. از طرفی خمینی دست نشانده آمریکا نبود و تاثیر نیروی اقشار مختلف خرده بورژوازی بر رژیم هنوز پایان نیافته است!» (ص ۵)

در جایی دیگر «کومله» هدف آمریکا را سرنگونی «رژیم خمینی» اعلام میکند و در مورد نیروهایی که آمریکا در این راه به آنها تکیه میکند، می نویسد:

«تکیه آمریکا بر... مقامات سرسپرده ارتش و دولت و سرمایه داران بزرگ وابسته و مالکین مرتجع است.»

این استدلال مفهوم دیگری ندارد جز آنکه تکیه امام خمینی جز بر کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و قشرهای متوسط جامعه نیست و این در تضاد کامل با ادعای «کومله» مبنی بر «ضد خلقی و ارتجاعی» بودن

امام خمینی است.

«کومله» در یکجا امام خمینی را طرفدار «سرکوب خلق کرد» مینامد (صفحه ۱) و میگوید:

«اکنون نقطه محوری و اساسی برای برقراری تسلط رژیم کنونی بر جامعه ایران، سرکوب خلق کرد و بویژه نابود کردن کومله است.» (ص ۳) ولی در جای دیگر اعلام میکند که: «در کنفرانس آذرماه به این نتیجه رسیدیم که... جناح خمینی کمتر جنگ طلب است.» (ص ۹)

و در جای دیگر «جناح» امام خمینی را «جناح صلح طلب» می نامد. (ص ۱)

«کومله» نیروهای جنگ طلب را در جای دیگر چنین معرفی می کند: «جناح سرسپرده و طرفدار آمریکا در درون ارتش از همه بیشتر طالب جنگ است. این سران سرسپرده آمریکا، مخالف خمینی هستند...» (ص ۹)

نتیجه

در یکساله پس از انقلاب، «کومله» نقش خود را بعنوان عامل خرابکاری در استقرار صلح در کردستان، مجری توطئه های دولت بعثی عراق و امپریالیسم آمریکا علیه خلق کرد و انقلاب ایران، ایفاکننده نقش ساواک منشانه در حمله به دفاتر و کتاب فروشی های نیروهای مترقی و انقلابی و بویژه حزب توده ایران بوضوح عیان ساخته است.

نشریه درونی «کومله» حقایق تازه ای برواقیعات پیشین در مورد این گروهک ضدانقلابی نمی افزاید، بلکه تنها با طرح عریان نیت واقعی این گروهک، بر تمامی هشدارهای پیشین نیروهای انقلابی و مترقی، بویژه حزب توده ایران، در مورد فعالیت های ضدانقلابی و ضد خلقی آن مهر تایید و تاکید می زند.

اظهارات صریح «کومله» در این «نشریه تئوریک» آنچنان با اهداف امپریالیسم آمریکا منطبق است که بیشک باید هشدار بی بدارکننده و تکان دهنده برای هواداران صادق، ولی ناآگاه این گروهک و نیز نیروهای صادق، ولی بشدت اشتباهکاری باشد که ناخواسته در دام تحریکات توطئه های آن گرفتار شده بودند.

اما متأسفانه ناپیگیری برخی نیروهای مترقی انقلابی در کردستان در مبارزه قاطع با این گروهک ضدانقلابی، به «کومله» امکان داده است که زیر پوشش حمایت آنها، منافع خلق کرد را در جهت ارضاء اهداف ضد خلقی خود معامله کند و برای نیروهای ضدانقلابی در طرف دیگر بهانه کافسی و مناسب تهیه کند.

پیشرفت مذاکرات صلح، همراه با تأمین خودمختاری و حقوق حقه خلق کرد و در گرو مرزبندی قاطع نیروهای انقلابی در کردستان با ضد انقلاب و در مبارزه متحد، قاطع و بی آمان با ضد انقلاب، از جمله «کومله» است. وجود «کومله» در هیئت نمایندگی خلق کرد جز به زیان مذاکرات

صلح و خلق کرد نیست و نیروهای صادق، ولی اشتباهکاری که ناخواسته
دنبال هر دو اهداف شیطانی و خونبار، «کومله» گشته‌اند، اگر هرچه زودتر
دامان خود را از آلودگی همپایی با این گروهك پاک ن سازند، نه فقط به‌تأمین
منافع خلق کرد کمکی نمی‌کنند، بلکه همچنین راه را برای انفراد و شکست
قطعی خود در میان خلق کرد و مردم سراسر ایران، هموار می‌سازند.

هه و النامه ی کتیب

هه و النامه ی کتیب

هه و النامه‌ی کتیب

اسنادی که در اینجا آورده
شده عیناً از اسناد منتشره توسط
سازمان دانشجویان مسلمان
دانشگاه تبریز نقل شده است .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آمریکا... آمریکا مرگ به نیرنگ تو خون شهیدان کُرد میچکد اینچنین تو

پوزنه کشیکه در این جزوه از نظر شما میگذرد، گویای درد عمیقی است که جانعه ما به آن سبلاش
چند ماهه از ساواکها و مزدوران ریزوی و در لباس انقلابی هندی روایتش به اربابان آمریکایی
فرستاده می کند، خلق مستضعف را به استضعاف می کشاند :

صلاح الدین مهدی ، از سران و ایدئولوگهای کومله است کسی که

شیخ عزالدین حسینی از او الهام میگیرد و خود جهره ای بیش در دست

این شخص نیست و جزو هیئت نانبدگی خلق کُرد میباشد و چه ماهه از چه در زمان بریم

مستوفد پولوی و چه در حال حاضر به خلق کُرد خیانت میکند

شخص دوم: ملا سعید رسایی یکی از همیایگان و یاران نزدیک شیخ زین

است و کسی که در استقامت خلق کُرد چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، نقش

بمیزانی دارد. برای مثال، ایشامی که از خاندان پولوی در بامبار باقی مانده بود، این شخص

فروخته و به حساب خود در بامبار و از کرد و لغبی که مردم بامبار به این شخص دارند،

حاکم از آگاهی خلق کُرد به استقامتشان است: که چه بجا است :

حجة الاحسام !! و این حدیث ادامه دارد...

سازمان دانشجویان مسلمان

... « دانشگاه تبریز » ...



جلسه اول صفحه اول

باز جوئی از - صلاح‌الدین مهتدی فرزند رحمان

س - مشخصات کامل خود را بیان کنید.

ج - صلاح‌الدین مهتدی فرزند رحمان دارای شناسنامه شماره ۲۳ صادره از قریه قلقله حوزه ترجان متولد سال ۱۳۱۷ فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه تهران رشته قضائی، ساکن بوکان شغل کشاورزی و دامداری س - سوگند یاد میکنید که آنچه میگوئید حقیقت باشد ؟
ج - سوگند یاد میکنم و ضمانت شرافتی می‌سپارم که جز حقیقت چیزی نگویم و ننویسم.

س - تاکنون از طرف مراجع انتظامی و امنیتی بازداشت شده‌اید در صورت مثبت سرانجام کار را بیان کنید.

ج - در سال ۱۳۴۷ که عده‌ای از اشرار ایرانی مقیم کردستان عراق از طرف ملا مصطفی بارزانی تحت تعقیب قرار گرفتند و بکشور ایران فرار کردند برای مدتی در نواحی غربی ناامنی و اغتشاش برپا شد برای رفع این غائله به ژاندارمری کل کشور اختیارات سیاسی و اجرایی داده شد ژاندارمری نیز که تسلط و مهارت سیاسی چندساله سازمان امنیت را نداشت یک عده بازداشت‌های وسیعی را آغاز کرد که من هم جزو این عده بودم و در دادگاه زمان جنگ ژاندارمری کل کشور محاکمه شدم لیکن مقامات سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان و در راس آن تیمسار صیادیان و سپس سروان کلباسی رئیس ساواک مهاباد که از نزدیک مرا می‌شناختند به کمک من شتافتند بهر حال دو سال در زندان بودم و در سال ۱۳۴۹ آزاد شدم و فوراً پیش تیمسار صیادیان و سروان کلباسی رفتم و آمادگی خود را برای خدمت بدشاهنشاه آریامهر و وطن عزیز اعلام داشتم البته خدمت‌های مهمی هم بمن سپرده شد که اگر لازم شد بعداً توضیح میدهم.

س - مشخصات کامل دوستان، هم‌اشرین، بستگان درجه اول خود را

مشروحاً بیان کنید.

جلسه اول صفحه دوم

بازجویی از صلاح‌الدین مهتدی فرزند رحمان

ج - پدرم آقای عبدالرحمان مهتدی استاد دانشکده الهیات بودند در سال ۱۳۴۶ برحمت ایزدی پیوستند مادرم زنده است و نامش سیدزاده زبیده است و در بوکان به‌خانه‌داری مشغول است در سال ۱۳۵۱ همسر گرفته‌ام و اسمش گلاله است و دختری دارم به‌نام هیروچهار عمو دارم به‌اسامی احمد و قاسم و ابوبکر و سعد و پسرعموها و دختر عموهای فراوانی دارم دوستان من اکثراً همان دوستان خانوادگی هستند زیرا خود من همراه سایر اعضای خانواده که مقیم بوکان هستیم و اشخاصی مانند صوفی قادر بهرام‌پور و فرزندش علی بهرام‌پور و سید محمد امین نورانی و سید سکره قریش از معاشین من هستند همچنین آقای محمد نوری نماینده مجلس شورای ملی و سروان حسن شاتری که این دو در تهرانند از دوستان نزدیک من‌اند.

س - آیا شما دوستانی در مریوان دارید در صورت مثبت نام و مشخصات آنها را بیان کنید.

ج - در مریوان من با آقای فاتح‌شیخ‌الاسلامی دوست‌دوران دانشکده هستم و برادر کوچکتر ایشان مصلح‌شیخ‌الاسلامی و پدرشان شیخ‌الاسلام مریوان را هم می‌شناسم ضمناً در مریوان شخصی است بنام عمر که به‌عمر لگنی معروف است من او را در راه عراق دیده‌ام ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲.

س - شما تاکنون به‌صورت غیرمجاز به‌عراق مسافرت کرده‌اید در صورت مثبت تعداد آن و علت مسافرت را مشروحاً بیان کنید.

ج - مسافرت به‌عراق یک‌بار بوده است در آبان‌ماه سال ۱۳۴۱ من به‌عراق رفتم و در آبان‌ماه سال ۱۳۴۳ به‌کشور ایران برگشتم در سال ۱۳۴۱ من دانشجوی سال سوم دانشکده حقوق بودم سالهای دبیرستانی را با موفقیت‌های علمی و اخلاقی بسر برده و مورد رضایت پدرم که روحانی سختگیری بودند واقع شده بودم لیکن پس از ورود به‌دانشکده که من جوان شهرستانی کم‌اطلاعی بودم در اثر مصاحبت و رفاقت ،

جلسه اول صفحه سوم

بازجویی از - صلاح‌الدین مهتدی فرزند رحمان

باعده‌ای از جوانان تهرانی به مشروب خوری رو کردم و چنان معتاد شدم که در سال سوم دانشکده حقوق مردود شدم پدرم که وضع تحصیلی و اخلاقی من برایش تحمل‌ناپذیر شده بود مرا از خانه خودش اخراج کرد عموها هم نیز باتاسی به او از پذیرفتن من خودداری میکردند من دچار سرگردانی و خلاء روحی و اخلاقی شده بودم در همان اوان شنیدم ملامصطفی بارزانی و کردهای عراقی با دولت عراق می‌جنگیدند من هم که دستم از هرسو بریده بود و از طرف دیگر مانند هر جوانی روح ماجراجویی در ذهنم پیدا شده بود بگردستان عراق رفتم لیکن در گردستان عراق یک عده ایرانی مقیم بودند که تحت ریاست احمد توفیق نامی که اسم اصلیش سید عبدالله اسحاقی است فعالیت میکردند فعالیت این عده برخلاف بقیه مردم عراق متوجه خاک و آب و وحدت ارضی و تمامیت سیاسی کشور شاهنشاهی ایران بوده من از بدو ورود احساس کردم عمل این عده خیانت بخاک کشور شاهنشاهی و مالا بتمامی کردهاست و عقیده داشتم که کردهای ایرانی مقیم عراق باید تمام وقت و انرژی‌شان را صرف مبارزه با دولت عراق بکنند متأسفانه در آن ایام در سالهای ۴۱ و ۴۲ ملامصطفی بارزانی هم از عقیده و عمل احمد توفیق‌پشتیبانی میکرد و اجازه خرابکاری در داخل ایران را صادر میکرد. این اختلاف عقیده و روش سبب ایجاد خصومت بین من و احمد توفیق و در نتیجه بین من و ملامصطفی گردید، یکسال تمام تحت تعقیب و اتهام بودم و بداشتن مأموریت از جانب ساواک ایران متهم شدم و در کنگره حزب دمکرات گردستان ایران بیانه رسمی بر علیه من صادر شد و گفته شد که از ایران با مأموریت مستقیم ساواک جهت منحل کردن حزب دمکرات گردستان ایران به عراق رفته‌ام البته من پیشنهاد کرده بودم و گفته بودم که حزب دمکرات گردستان ایران منحل شود ولی در آن موقع ساواک در فرستادن من دستی نداشت. بعد از طرف مقامات امنیتی بمن سفارش شد که مورد عفو ملوکانه واقع شده‌ام من هم بایران برگشتم و تحصیلاتم را ادامه دادم.

س - چه مأموریت‌هایی از طرف ساواک رضائیه بشما محول شد و شما

جلسه اول صفحه چهارم

بازجویی از - صلاح‌الدین مهتدی فرزند رحمان

چه نوع خدمتی انجام دادید مشروحا بیان کنید.

ج - در همان هنگام که در زندان رضائیه بودم با ساواک مکاتبه داشتم و طبق تقاضای کتبی خودم آقای طوسی نژاد عضو ساواک رضائیه محرمانه به دیدنم آمد و هر اطلاعاتی در زمینه اوضاع زندان لازم داشت در اختیارش گذاشتم بعد از پایان زندان در رضائیه با آقای طوسی نژاد عضو ساواک آقای سرهنگ سیاحتگر معاون ساواک و تیمسار صیادیان رئیس محترم ساواک استان ملاقات کردم و چون در آن موقع مقیم تهران بودم سفارشی برای ساواک تهران گرفتم و خودم نیز با پست سفارشی نامه‌ای به ساواک تهران نوشتم و آمادگی خود را برای خدمت و همکاری اعلام داشتم از طرف ساواک تهران با من تماس گرفته شد و پس از چندین جلسه آشنایی و ایجاد دوستی صمیمانه به من ماموریت داده شد تا با هزینه ساواک به اروپا بروم و در کنگره دانشجویان کرد شرکت کنم و از یک طرف دیگر پیشرفتهای ایران و اوضاع کردهای ایران را برای دانشجویان کرد شرح بدهم. من این ماموریت را با کمال امانت و دقت و سربلندی انجام دادم دو تن دیگر یکی دکتر محمد صدیق مفتی‌زاده استاد زبان کردی دانشکده ادبیات تهران و دیگری پسر عمویم خدا بیامرز سواره ایلیخانی‌زاده عضو برجسته گروه تحقیق رادیو و تلویزیون ملی ایران در این سفر همراه بودند بعد از یکماه اقامت در اروپا تماس با کردهای برجسته مقیم اروپا و دانشجویان موثر در کنگره با موفقیت کامل به ایران برگشتم و شرح ماموریت خود را همراه با گزارش کامل اوضاع کردهای اروپا به ساواک مرکزی تقدیم داشتم که بسیار بسیار مورد تقدیر قرار گرفت سپس جشنهای شاهنشاهی جشنهای دوهزار پانصدمین سال شاهنشاهی ایران فرارسید و من به بوکان برگشتم و با رئیس ساواک مهاباد جشن بزرگی برپا کردم که چند صد نفر در آن شرکت کردند و شخصا خطابه‌ای درستایش از شخصیت جهانی پیشوا و پدر تاجدارمان شاهنشاه آریامهر و در فلسفه برپایی جشن بیان داشتم که مورد تمجید تمامی مردم قرار گرفت و از

جلسه اول صفحه پنجم
بازجویی از - صلاح‌الدین مهتدی فرزند رحمان
طرف ساواک به مرکز گزارش داده شد.

چندی بعد يك نفر قراری از زندان رضائیه را که تمام مقامات در تعقیبش بودند با زبان خوش و امیدوار ساختن به عفو ملوگانه راضی کردم که همراه خودم به مهاباد بیاید این شخص یوسف یوسفی معروف به یوسف حمزه ریتال از اشرار مشهور بود که نصف شب و بدون اطلاع قبلی از مهاباد به خانه آقای خداپرست معاون و کفیل وقت ساواک بردم و تحویل دادم که برای این کار مخصوصا از طرف شخص تیمسار صیادیان مورد تشویق قرار گرفتم در تغییرات جدید کادر سیاسی ساواک مهاباد نیز اینجانب که اکنون به شغل کشاورزی و ایجاد يك واحد وسیع دامداری مدرن سرگرم هستم شخصا مراجعه کردم و با جناب سرگرد پرنیان فر رئیس و آقای رضوی معاون و آقای عربشاه عضو ساواک، دوستی نزدیک پیدا کردم و آقای عربشاه که بیشتر به بوکان مسافرت میکنند هر بار بخانه ما می آیند و من هر وقت کاری یا احتیاجی داشتم بجناب سرگرد که عنایت و محبت مخصوص بهم دارند مراجعه میکنم.

هه و النامه ی کتیب

رضایه سازمان بنیت و طهریات آذربایجان خوزستان

حضرت مبارک را در سطح جناب سرکار سید محمد شرفیاد

ساری

(۸۸۸۴)

ساری

تهران خیابان آریه خیابان گلستانه کوچه فرزند لایق ۲۹

صالح لایق



حضور مبارك دوست و سرور گرامی سرکار معظم جناب سرهنگ سیاحتگر
اجازه میخوام که عریضه را با صمیمانهترین و صادقانهترین مراتب
ارادت و احترام قلبی بحضور گرامیتان آغاز کنم. از خداوند خواستارم که
همگی ما را توفیق عنایت دارد تا تحت سرپرستی و ارشادات دلسوزانه
حضرتعالی در طریق خدمت بتحقیق آرمانهای مقدس رهبر بزرگوار و پدر
تاجدارمان پیروزی و کامیابی روزافزون نایل گردیم.

بعد از مراجعت بنهران بنابه توصیه و امریه تیمسار ریاست معظم سازمان
آذربایجان و بنا به فرموده خودتان، به ساواک مراجعه کردم لیکن ادارات
پراکنده آن که سابقا بنده میشناختمشان همگی به یک محل جدید منتقل شده
بودند و بنابراین نتوانستم کسی را بشناسم و بینم. ناچار نامه ای نوشتم و حال
واحوال خود را شرح دادم و آدرس منزل و شماره تلفن را نوشتم و قید کردم
که اگر خدمتی از دست فدوی برآید با جان و دل در اجرای آن کوشا خواهم
بود و این نامه را بعنوان ریاست محترم ساواک تهران توسط پست ارسال
داشتم از آن تاریخ تا کنون قریب به یک ماه میگذرد و بنده جوابی دریافت
نداشته‌ام.

اینک با توجه به وعده‌ها و فرمایشات مبارك به هنگام شرفیابی و با توجه
براین معرفت و مرحمتتان نسبت به بنده استدعا دارم فدوی را در تهران به
مقام مسئول و ذیصلاح معرفی فرمائید تا اگر اولاً کاری و خدمتی از دستم
برآید و با درجه معلومات و با استعداد و امکاناتم تطبیق داشته باشد بتوانم
انجام دهم و ثانیاً اگر خود اشکال و احتیاجی در زندگانی شخصی و اجتماعی
پیدا کردم بتوانم برای رفع و حل آن مراجعه و چاره خواهی نمایم و اوامری
را نیز که دریافت دارم با حداکثر فداکاری و اخلاص اجرا دارم.
در پایان بار دیگر ضمن تشکر از لطف و عنایت بیدریغتان بار دیگر و
از اعماق قلبم و ارادت بی‌شائبه‌ام را تقدیم میدارم.

صلاح‌الدین مهتدی

تهران خیابان آریامهر خیابان جمشید کوچه فیروز کاشی ۲۶ تلفن ۲۱۵۲۶

ریاست معظم سازمان امنیت و اطلاعات آذربایجان غربی تیمسار محبوب

صیادیان

با قلبی مملو از احساسات پاک و صمیمانه و در نخستین روز از آذرماه خجسته، طلعه جشن بزرگ و رستاخیز عظیم بیست و یکم آذر را بحضور مبارک تبریک عرض مینمائیم و دوام سلامت و سعادت و توفیق روزافزونتان را در خدمت شاهنشاه و میهن خواستاریم بیست و چهار سال پیش از امروز و یک سال قبل از ورود پیروزمندان ارتش شاهنشاهی به آذربایجان عزیز و فرار خانواده ما با ابراز کمال فداکاری و جانبازی میهن پرستانه نسبت علایق ناگستنی و وفاداری تزلزل ناپذیر خویش نسبت به تاج و تخت سلطنت شاهنشاهی و بنا به امر و اشاره مقدس ملوکانه از سرزمین نیاکانی خویش از وجود عناصر آشوبگر و تجزیه طلب و قطع ارتباط آن با مراکز تجمع و توطئه های خائنین و ایجاد اغتشاشات نهانی و علنی با فرماندهی نیروهای مسلح شاهنشاهی، سهم درخشان و فراموش ناشدنی و پرافتخاری را ایفاء و ادا کردند و به همین مناسبت بارها در موارد عدیده مورد تفقد خاص و عنایات و مراحم ویژه ذات مبارک ملوکانه قرار گرفتند. اینک که بار دیگر خاطره آن دوران حساس و بحرانی تجدید میگردد از حضور مبارک استدعای عاجزانه داریم که مراتب فدویت و کمال فداکاری و آمادگیمانرا جهت جانبازی در راه اجرای منویات مقدس ملوکانه در جهت خدمت به آب و خاک میهن عزیز و کوشش در راه ایجاد جامعه ای مرفه و نیرومند و امن و اطاعت از ارشادات و راهنماییهای مقامات مسئول مملکتی برای ایفای هر چه بیشتر نقش خدمتگزارانه خود، بشرف عرض آستان پرافتخار شاهنشاه آریامهر برسانند تا با اصرار عفو ملوکانه و استخلاص از زندان بتوانیم عنصری مفید و موثر و مومن در خدمت به آرمانهای ملی و جهانی پیشوای کبیر و پدر تاجدار خویش باشیم.

باتقدیم مراتب ارادت و احترام و ابراز کمال انتظار و امیدواری

محمد ایلخانی زاده - صلاح الدین مهتدی

هه و النامه‌ی کتیب

ملاقات و عهد

۱- به ...

۲- شماره ۲۸۷۷

۲- ...

۳- تاریخ ۲۶ ۱۳۱۷

۵- ساعت دریافت

شماره ۲۸۷۷ تا ۲۹۱۱ - ۸

با خروج نامبرد از کشور موافقت گردید، با توجه باینکه در وقت خروج
 با برادرش محمد مهتدی که با همکاران از اکراد متبحر در تاسیس و تداوم
 نهاد بنحو مقتضی مشارالیه را تشویق نمایند تا چنانچه اخبار از وضعیت سوزهای
 نامبرود، در صورتیکه غایت از آنست که دست آورد بران را جهت برادری کلان
 را در دست نماید.

۳۶

در زمان نامبرود
 در ...
 ۹۱

۲۱۰۷

با خروج نامبرد از کشور موافقت گردید با توجه با اینکه مشارالیه مقصد
 ملاقات
 با برادرش محمد مهتدی که با همکاران از اکراد متبحر در تاسیس و تداوم
 نهاد بنحو مقتضی مشارالیه را تشویق نمایند تا چنانچه اخبار از وضعیت سوزهای
 نامبرود، در صورتیکه غایت از آنست که دست آورد بران را جهت برادری کلان
 را در دست نماید.

را گزارش نماید

شایستگی

ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت شهرستان مهاباد

با کمال احترام بعرض میرساند، همچنانکه خاطر مبارك مستحضر است در پنجسال پیش پدر من آقای عبدالرحمن مهتدی برحمت ایزدی پیوسته از آن تاریخ ببعده مساله تنظیم و تقدیم اظهارنامه مالیات برارث مطرح گشته و پس از مدتها ارزیابی و بررسی اداره دارائی بوکان صورتی از مایملک مرحوم پدرم تهیه کرده است که بر مبنای آن تقاضای مالیات برارث نموده است. اینجانبان ورثه آن مرحوم علیرغم پریشانی وضع مالی و نابسامانی امور خانوادگیمان باز به تشخیص اداره دارائی گردن نهاده و مالیات درخواستی را قبول کرده ایم و شروع به پرداخت نموده ایم و تا حالا چندین قسط از بدهی دارائی نیز تصفیه شده است. اخیرا بازرسی از اداره دارائی استان بوکان آمده و بهر نظری که بخودش مربوط است مجددا دستور طرح و ارزیابی را صادر کرده است.

در مقابل این وضع که بنده آنرا به تعمد در ایجاد مزاحمت و بد داشتن اغراض ناسالم تعبیر میکنم میتوانم سه نقطه مشخص را بعرض برسانم:

۱- این پرونده مختومه است و برگ تشخیص قطعی صادر شده است و مدتها از تاریخ آن هم گذشته است و طرح و تعقیب مجدد آن غیر قانونی و ناشی از غرض و مرض خاصی است.

۲- استناد باینکه قسمتی از زمینهای من اکنون بطور متری برای ساختمان بفروش میرود استناد منطقی نیست زیرا دارائی حین الفوت متوفی مبنای صدور قرار مالیاتی است، نه تحولات و تغییراتی که بعدا در ملک حادث میشود.

۳- اگر بازرسی اداره دارائی در ارزیابی جدید خود صادق است و اگر اداره پیشکاری استان هم در نظر دارد که نظریه و ارزیابی ایشان را تأیید و تصدیق نماید بنده حاضرم و رسماً پیشنهاد میکنم که جمیع مایملک و دارائی که از پدرم بما ورثه آن مرحوم رسیده است و هرچه هم که بعد از پنج شش سال خودمان اضافه یا احداث کرده ایم اعم از منقول و غیر منقول به یک سوم منبع ارزیابی شده در اختیار اداره دارائی قرار گیرد تا به هر نوعی که صلاح میدانند بفروشند یا خود مورد استفاده قرار دهند و ما نیز بتوانیم با خیال فارغ و ناسرمایه کافی بوکان راترك کرده و در تهران برای خود

موقعیت و زندگی جدیدی فراهم نماییم.

۴- در صورتیکه اداره دارایی حاضر نباشد ملکی را به یک سوم ارزیابی خود قبول کند این فکر بطور منطقی برای هر کس پیش خواهد آمد که ارزیاب در ارزیابی خویش صادق و بی غرض نبوده است اینک از حضور محترم استدعا دارد با عنایت و حمایتی که تاکنون از اینجانب و خانواده اینجانب معمول داشته‌اند این بار نیز مستقیماً دخالت فرموده و رفع اشکال و گرفتاری اخیر را که برای ما جنبه حیاتی دارد بفرمائید.

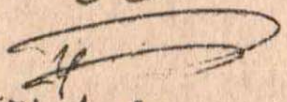
صلاح‌الدین مهتدی

۱۳۵۱/۸/۶

هدهو النامه‌ی کتبر

که بعد از پنج شش ساله خود را که همانند بهر است در ایام هم از صورت غیر معمول به یک سوم
 مبلغ از میان شده در اختیار اداره دارایی قرار گیرد تا بعد از هر سه صد و بیست و نه لغو شده
 به نصف مورد استفاده قرار آید و سایر برآیند با مصالح فرعی و سایر موارد که در آن در آن
 در ده تهران برای خود اوقفت و زنده ماندن در ایام فراموش
 - در مورد سهم اداره دارایی همانند بهر است معنی را به یک سوم از آن قرار دهد قبول کند این شرط را
 برای هر کس پیش خود آید ۵۰ از آن را به اداره دارایی عاریت دارد و با مقرر شود است
 این از طرف مقدم است و در در اختیار و صورتی که تاکنون از این جهت و ضوابط این
 عمل داشته این نیز مستعد وقت و زود در رفع اشکال و گرفتاری خیرا
 ۵ برای جهت بهر اداره فرماید

صلح بهر است



۱۳۵۱، ۱، ۶



کتبخانه

ریاست محترم سازمان امنیت و اطلاعات مهاباد

با کمال احترام بعرض میرساند، همچنانکه خاطر گرامی مستحضر است اینجانب مدتی قریب یکماه در مسافرت بوده‌ایم در این مدت باتمام امکانات نیروی فکری و جسمی خویش تلاش کرده‌ایم تا در سطح وسیع بین‌المللی محافظ و مدافع و مجری مصالح عالیه مملکتی و منویات مبارک شاهنشاه آریامهر باشیم و خوشبختانه توفیق رفیق گشته است و رضایت و خرسندی کامل مقامات صلاحیتدار جلب گردیده است. در عودت از سفر اروپا و در ملاقاتی که با آقای مبینی دست‌دادمقرر گردید که در بازگشت بیوکان صورت مشروحی از وضع خانوادگی و احتیاجات و گرفتاریهای شخصی راتهییه دیده و بجنابعالی تقدیم دارم تا جهت اظهار نظر و صدور دستور مثبت و مساعد بمرکز ارسال گردد. از آنجائیکه در طول مدت ماموریت جنابعالی در مهاباد اینجانب مکرر و مستمر از حسن نظر و مساعدت و محبت بی‌دریغتان برخوردار بوده‌ایم یقین دارم که این بار نیز از بذل هر نوع معاونت و همراهی قصور نخواهید فرمود و سیاست جلب رضایت و اعتمادی را که تاکنون با موفقیت تعقیب کرده‌اید و نتایج درخشانی را از آن در زمینه اجرای اوامر شاهنشاهی بدست آورده‌اید همچنان ادامه خواهید داد لیکن بعلت این که دوسه ماه پیش عریضه مفصلی در همین بابت به امضای آقایان عمر و حسن مهتدی و اینجانب تقدیم مقام محترم ریاست ساواک استان آذربایجان غربی گردیده است و در آن عریضه هم اعلام آمادگی جهت خدمتگزاری و جانبازی هم لیست نیازمندیها و مشکلات خود و خانواده را دقیقاً درج کرده‌ایم احتیاجی نمی‌بینیم که این بار تفصیل چندانی به نوشته خود بدهیم بنابراین مطالب را فهرست‌وار بعرض میرسانیم و نظر محترم جنابعالی و سایر مقامات صالحه و گرامی ساواک مرکز را بدون عریضه قبلی معطوف میدارم.

۱- ریش سفیدان و بزرگترهای خانواده ما چهار نفرند و هر چهار نفر عموی من هستند با سامی آقایان احمد ایلخانی زاده - قاسم مهتدی - ابوبکر مهتدی - سعد مهتدی ایلخانی زاده که هر چهار نفر قریب به سه سال است در ناراحتی دائمی بسر میبرند ابتدا چندین ماه زندان و سپس محکومیت

به اقامت اجباری در شهرهای دور است. طبعا عده کثیری عائله بی سرپرست هر آن ودقیقه شب و روز در انتظار آنند که این حالت موقت که مظمنا ناشی از سوء تفاهم و نتیجه شرایط و اوضاع واحوال خاصی بوده است بین دریای بی پایان عفو و مرحمت شهریاری، بر طرف شده و بار دیگر پدر و سرپرست خانواده خویش را بازیابند.

۲- در نتیجه تبعید این آقایان اهالی محل و بالاخص کسانی که دارای سوابق اغراض و عداوتهای شخصی با خانواده ما هستند (وقسمت عمده این اغراض و عداوتهای شخصی نتیجه مستقیم مبارزات شاهپرستانه خانواده ما و مخصوصا عمویم آقای قاسم مهتدی در دوران حکومت غیرقانونی مصدق و سالهای سیاه ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ میباشد و در صورت لزوم هر کدام از آنها را فرد فرد و با نام میتوانم معرفی کنم) فرصت را مغتتم شمرده و مرتب با نقشه‌های دقیق و حساب شده در صدد تضعیف موقعیت اقتصادی و اجتماعی ما هستند و بنابراین برای مقابله با این وضع به تقویت و پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم، آشکارا و مخفی سازمان امنیت احتیاج داریم و این امر برای خانواده ما امری حیاتی است.

۳- در اثر نبودن محصول در چند سال متوالی و توالی گرفتاریهای شخصی و خانوادگی و نداشتن سرمایه جهت کار و کسب زراعتی بنحو خطرناکی مقروض گردیده‌ایم بنحوی که جمع بدهیهای ما اعم از قروض بنگاههای دولتی و وابسته بدولت یا افراد و اشخاص محلی، نزدیک بچهار صد هزار تومان است که بهره آن نیز هر سال وحشت‌آور بالا میرود، علاوه بر این احتیاج به سرمایه‌ای داریم که بتوانیم توسط آن کمباین و تراکتور و بذر و کود و سایر مایحتاج کار کشاورزی را تهیه نمائیم و مانند سالهای اخیر مجبور نباشیم زمینهای زراعی خود را تقریبا برایگان در اختیار بازرگانان شهری قرار دهیم و خود از دور ناظر کار و فعالیت و رفاه آنان باشیم. برای تحقق این هدف احتیاج داریم که از منبع واحدی بتوانیم سرمایه‌ای بدست آوریم، با بهره کم و اقساط طویل‌المدت تا هم قروض خویش را تأدیه نمائیم و هم کارهای کشاورزیمان را خود راسا تصدی کنیم و برای همیشه باین گرفتاری و تهیدستی و ناراحتی روحی

چندین ماه زندان و سبک ملکیت باقیات چهارم شهری در آن است . چنانچه که یکی خانه در کربلاست بر کربلا و یکی
 شب و روز در آنجا را آنکه در آنجا است وقت در ملکیت این از سر تمام و یکم شهر است و اوضاع و احوال خاص این است
 بجز در این در این عفو و سبک است شهری . بر طرفش دارد که در کربلاست و از آنجا که شهر را باز کرده

در آنجا سبک است این ملک و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 همه این چیزها و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 در آن ملک غیر قانق و معوق و سایر چیزها . در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 فردا فردا و تمام سبک است (فرستاد) و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 صد و شصت و هفتاد و هشتاد و نود و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 مستقیم و غیر مستقیم . آنکه از آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است

در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 بنویسند که مقروض گردیدیم سبکی که جمع بر سبکی است و در آنجا که در آنجا است
 و از آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 عدده این جمع بر سبکی که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 تیر نایم و مانند سایر چیزها که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 بازرگانان شهری در آنجا است و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است

با کسب این حرف جمع و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است
 در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است و در آنجا که در آنجا است

ومادی خویش پایان دهیم ونتیجتا قدرت وامکان آنرا بدست خواهیم آورد
که با فراغت بال و آسودگی خاطر تمام وقت وانرژی واهتمام خود رامصرف
خدمتگزاری وجانبازی در راه اجرای اوامر شاهنشاه عظیم الشان و پسر
تاجدار خویش بنمائیم.

والبته یقین است که حصول این مقصود با توجه به امکانات دستگاه
مقتدر دولتی وبالاخص با توجه به نیت مبارک شاهانه مبنی بر فراهم ساختن
وسایل آسایش ورفاه یکایک مردم ایران نباید امر مشکل ومتعذری باشد.
ع- تقاضا داریم که درمواقع بروز حوادث ومشکلات مملکتی یا بهنگام
امنیت وآسایش کشوری خانواده ما ویکایک افراد آن بعنوان نیروی ذخیره
وقوای داوطلب در نظر گرفته شده و ازارجاع خدمات میهنی و ابراز تعقدات
فرماندهان و روسای کشوری ولشکری محروم نگردیم که برآستی عار داریم
درجامعه‌یی که همه چیز خود را مدیون آنیم افراد باطل وعاطل باشیم و
یقینا در طی عمل وآزمایش ثابت خواهیم کرد که برای رهبر خردمند وعادل و
توانای خویش میتوانیم سربازانی لایق ومومن و باوفا باشیم.

صلاح‌الدین مهتدی

۱۳۵۰ ر ۶ ر ۳۰

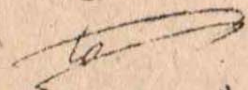
است حجاج آورد که با فرزندت یاد و بود که خالرا تمام وقت و از روی و انجام دهد از هر طرف که میسر آید و صدقه
در راه برای او پیشکش و هدیه بفرست تا به او برسد و در راه خود را حوضی برپا کند

و البته یقین است که هر که در راه با تو بود و از تو هدیه گرفت و با او سخن بگوید و به تو حاجت ببرد
من و توام من سخن و سخن آری من در راه یقین من بدان که این امر مشکل و مستعد است

تقاً فدایم که در راه بر روز هجرت و تقدمات کلمتی یا کلمه بیست و یک کسری و در هر صبح غنای
ما و یقین از آن بگذرد بی روی زحیره و قوی را طلب در نظر گرفته شده و از راه غنای

سپیدی و ابراز تقدمات فریاد آن روزی کسری و کسری محروم گردید در راهی عمار دارم
در جاده که به چیز عظیمی آن از راه باطل و باطل چشم و یقین در طری عمل در راه است

حجاج که که در راه اینم بر روز هجرت و در راهی از هر آب من از یقین دارم چشم و چشم
تایم که برای بر فرازند و عادل در آن حوضی تمام سر بر از لایق من و و با چشم

صدق این است

۱۴۵۰ ۶ ۳۰

کتابخانه ملی

به: ریاست ساواک مهاباد
از: ساواک آذربایجانغربی

شماره ۸۶۶۰ رو
تاریخ ۴۸۵۱۵

نخست‌وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور

درباره سعید رسولی فرزند علی
نامبرده بالا تقاضای عضویت در نیروی پایداری بهبهان را نموده دستور
فرمائید با توجه به فیش شماره ۷۵۵۹ آن ساواک هرگونه سابقه‌ای از مشارالیه
موجود است خلاصه آن را به این ساواک اعلام دارند.
رئیس ساواک استان آذربایجانغربی - صیادیان

آقای حسن‌زاده
۵۱۶
خیلی محرمانه

اینجانب محمد سعید رسولی فرزند علی که چندی قبل به عراق رفته و اکنون
به وطن خود مراجعت نموده‌ام و خود را به سازمان امنیت معرفی کرده تعهد
میدهم که در روز شنبه ۴۳۷۱۸ خود را به سازمان امنیت مهاباد معرفی
کنم.

امضاء محمد سعید رسولی
۴۳۷۱۶



شماره ۳/۲۶۶

تاریخ ۱۸/۵/۱۵

نخست وزیر

از س. و. آ. ن. ر. ب. ج. انجمنی سازمان اطلاعات استخبارات

پلیس امنیت

درباره ...

تأمین اطلاعات و ...
تعداد ...
هرگونه ...
اطلاعات ...

رئیس سازمان اطلاعات استخبارات

مهره زان

۱۹/۵

مهره زان

اینجانب ...
بوطن خود ...
تقدیر ...
خود را ...
مهره زان

اینجانب ملا سعید رسول فرزند علی بناساسه ۲۸۵ منزل ۱۳۰۰ تعهد میکنم که از تاریخ
 ۱۳۰۱/۱۲/۳۰ نهایت همکاری در زمینه های مختلف را با سازمان اطلاعات و امنیت میباداد
 یا شهود در مورد تعهد های قبلی بفرصت میزند که اینجانب را نسبت به ظهور همکاری توجیه
 ننموده بودند و چون این بار نسبت به شرایط سازمان را از آنجا که ظهور کلی توجیه
 ندادم لذا این بعد نهایت همکاری را بعمل نخواهم آورد در غیر این صورت امتحان مرکب -
 تصویب در مورد من صدق خواهد بود

تعهد نامه

اینجانب ملا سعید رسول فرزند علی بناساسه ۲۸۵ منزل ۱۳۰۰ تعهد میکنم که از تاریخ
 ۱۳۰۱/۱۲/۳۰ نهایت همکاری در زمینه های مختلف را با سازمان اطلاعات و امنیت میباداد
 یا شهود در مورد تعهد های قبلی بفرصت میزند که اینجانب را نسبت به ظهور همکاری توجیه
 ننموده بودند و چون این بار نسبت به شرایط سازمان را از آنجا که ظهور کلی توجیه
 ندادم لذا این بعد نهایت همکاری را بعمل نخواهم آورد در غیر این صورت امتحان مرکب -
 تصویب در مورد من صدق خواهد بود

اینجا به سعید رسولی فرزند علی بیگ نامه شماره ۱۲۰۰ مورخ ۱۳۰۰ سال

مورخ ۱۲۰۰ میلادی در ۲۵ روز شهریور که من بعد کمال صداقت و درستکاری

منظر حفظ استقلال کشورت و این امر صیانت از اسرار و همکاری نموده

و کلیه اخبار و اطلاعات منطقه اکبر و گناباد را سعید رسولی
۵۲/۶/۱

به سعید رسولی

السلامتی

۱۲۰۰

۱۲۰۰

هه و النامه کیبیر

۱۲۰۰

اینجا به سعید رسولی فرزند علی بیگ نامه شماره ۱۲۰۰ مورخ ۱۳۰۰ سال بهایا

گرمان آباد منزل شخصی سعید رسولی که من بعد کمال صداقت و درستکاری به منظور حفظ استقلال

کشور شما میسر میسر با اسرار و اخبار و اطلاعات منطقه اکبر و گناباد

سعید رسولی

۵۲/۶/۱

به سعید رسولی اتمام شود

۵۲/۶/۱

هه و النامه ی کتیب